

تحلیل عناصر تهدید اقتصادی - کارکردی و شکلی - کالبدی در نظام تقسیمات کشوری ایران

هادی اعظمی (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده‌ی مسؤول)

aazami@um.ac.ir

علی اکبر دبیری (کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)

a.a.dabiri1365@gmail.com

چکیده

تقسیمات کشوری یکی از مهمترین و مؤثرترین ابزارهای حکومت در سازماندهی سیاسی فضا به شمار می‌رود. در ایران نیز تقسیم بندی فضای کشور به واحدهای کوچکتر دارای سابقه‌ی دیرینه‌ای است و از شکل‌گیری اولین حکومت سرزمینی (هخامنشیان) تا به امروز، برای اداره و کنترل مطلوب تر فضای سرزمین مورد استفاده قرار گرفته است. نقش و کارکرد تقسیمات کشوری و ارتباط مستقیم آن با بقاء ملی، تسهیل اعمال اراده حکومت، توسعه‌ی متوازن منطقه‌ای، و... نشان‌دهنده‌ی اهمیت تقسیمات کشوری در ایجاد بسترهای مناسب توسعه و پیشرفت کشور است. اما در ایران وجود پاره‌ای از عوامل تهدید آفرین در نظام تقسیمات کشوری باعث ضعف و ناکارآمدی تقسیمات کشوری موجود در عمل به وظایف خود شده است. در این میان تهدیدات اقتصادی - کارکردی و شکلی - کالبدی به دلیل نقش و کارکرد خود دارای اهمیت زیادی هستند. در این مقاله تلاش شده است که مهمترین عناصر تهدید کارکردی - اقتصادی و شکلی - کالبدی شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار بگیرند. کلیدواژه‌ها: سازماندهی سیاسی فضا، نظام تقسیمات کشوری، ایران، تهدیدات تقسیمات کشوری.

درآمد

سازماندهی سیاسی فضا^۱ به مجموعه‌ای از ابزارها، روش‌ها و تکنیک‌ها گفته می‌شود که توسط قدرت سیاسی حاکم (حکومت و نهادهای وابسته به آن) برای کنترل، مدیریت و بهره‌برداری مناسب‌تر از فضا مورد استفاده قرار می‌گیرد. و شامل طیف گسترده‌ای از ابزارها و روش‌ها مانند: تقسیمات کشوری^۲،

1. Political Organize of Space

2. Administrative Divisions

بازارچه‌های مرزی^۱، مناطق آزاد تجاری^۲ و هرآنچه در راه کنترل و مدیریت بهتر فضا مورد استفاده قرار گیرد، می‌شود.

پیشرفت، توسعه، عدالت محیطی و برقراری امنیت بنیاد مدیریت سیاسی فضای^۳ ملی محسوب می‌شوند. (کاویانی راد، ۱۳۸۹: ۴۵) تقسیمات کشوری به عنوان یکی از این ابزارها، به سلسله مراتبی اداری-سیاسی در تقسیم هر کشور به واحدهای کوچکتر، برای سهولت اداره آن و تأمین امنیت و بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی گفته می‌شود. این تقسیم بندی گاهی بر مبنای تاریخ و فرهنگ، اوضاع جغرافیایی و جمعیت و گاهی برحسب ملاحظات سیاسی صورت می‌پذیرد (وزارت کشور، ۱۳۸۷). تنها در مورد کوچکترین کشور هاست که امکان دارد از پایتخت یک کشور، بدون اتخاذ یک یا چند طبقه واسط اداری، به طور کامل و مستقیم بر سرزمین آن کشور حکومت کرد (مویز، ۱۳۷۹: ۱۵۱). کارکرد تقسیمات کشوری که شاید مورد توجه تمام نظام های سیاسی می‌باشد عبارت است از تأمین امکانات و خدمات برای مناطق نیازمند و تسهیل حاکمیت دولت تا پایین ترین سطح سیاسی (احمدی پور و منصوریان، ۱۳۸۵: ۳۶۹). و در واقع هدف کلی تقسیمات کشوری تهیه چارچوب و بستری مناسب برای تداوم بقای ملی، امنیت ملی و تسهیل توسعه‌ی متوازن منطقه ای است (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۴) مادامی که تقسیمات کشوری صحیحی نداشته باشیم، بازده هرگونه برنامه‌ریزی در سطح ملی، منطقه ای و محلی ناچیز خواهد بود (رهنما و احمدی پور، ۱۳۸۲: ۳۶). آنچه مسلم است در کار تقسیم بندی کشور هدف به دست دادن واحد یا واحدهایی است که قابلیت اداره و بهره‌برداری بیشتر و بهتری در تأمین هدف‌های مورد نظر داشته باشند (بدیعی، ۱۳۶۲: ۲۱۴). بنابراین با توجه به اهمیت و نقش تقسیمات کشوری در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی - امنیتی، فرهنگی، زیست محیطی و در مجموع بقاء ملی، شناسایی کاستی ها و نارسایی‌های نظام تقسیمات کشوری امری الزامی است. در ایران نیز نظام تقسیمات کشوری کنونی و روح حاکم بر آن علاوه بر کاستی های بارز کالبدی، در بعد ایجاد انگیزه برای کسب و کار، عمران و آبادی، جلب مشارکت شهروندان، تقویت توان تصمیم سازی و تصمیم گیری ناحیه ای و کاستن از دیوان سالاری لنگ و بیمار است (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۱۰). در نظام تقسیمات

1. Frontier Markets
2. Regions Free
3. Space Political Management

کشوری کنونی ایران منابع تهدید و نارسایی های متعددی مشاهده می شود که در این میان تهدیدات اقتصادی- کارکردی و شکلی-کالبدی از مهمترین آنها محسوب می شوند.

اصول و اهداف عمده تقسیمات کشوری

در شکل دهی و طراحی نظام تقسیمات کشوری اصول، اهداف و ملاحظات متعددی باید مورد توجه قرار گیرد، که از دیدگاه اقتصادی و کارکردی و همچنین شکلی- کالبدی مهمترین این اصول و اهداف عبارتند از:

- تمرکز زدایی و در نتیجه الزام بر کوچک سازی فضایی واحد سیاسی؛
- تسهیل ارائه خدمات به مردم؛
- دسترسی مردم به کانون ناحیه و مراکز خدمات دهی؛
- رضایت مندی شهروندان و ساکنان از شکل و الگوی ناحیه و تعلق و وابستگی به آن؛
- توسعه پویا، مستمر و پایدار همه جانبه ناحیه؛
- ایجاد فرایند توسعه منطقه‌ای و بارورسازی پتانسیلهای درون مکانی و ناحیه‌ای؛
- تدوین الگوی معیاری برای شناخت نواحی متجانس؛
- تدوین الگوی معیاری برای قطب‌یابی و کانون‌یابی ناحیه‌ای با استفاده از مدل‌های جاذبه^۱، آنالیز جریان‌ها^۲، نظریه‌ی مکان مرکزی^۳ و غیره؛
- تدوین الگوی معیاری و روش‌های مناسب برای قلمرویابی کانون‌ها(تعیین حوزه نفوذ)؛
- تجانس یابی ناحیه‌ای با هدف تقسیم فضا به واحدهای تقسیماتی سطح اول؛
- کانون‌یابی در نواحی براساس الگوی معیاری مربوط و تعیین رتبه‌ی سلسله مراتبی آن‌ها؛
- توجه به قابلیت‌ها و استعدادهای اقتصادی- اجتماعی ناحیه و مکان برای شکل‌گیری فرایند توسعه خود اتکا و درون زا؛

1. Gravity models
2. Analysis of Currents
3. Central place theory

- شکل‌گزینی مناسب فضا و ترجیح اشکال فشرده بر اشکال طویل و زائده دار. (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۲۳)؛

- فراهم سازی بسترهای توسعه متوازن منطقه ای؛

- توجه به ویژگیهای تاریخی و فرهنگی ناحیه.

روش تحقیق

روش مطالعه این پژوهش با توجه به ویژگی‌های خاص آن، تحلیلی _ توصیفی و مبتنی بر استدلال و تحلیل است. در جمع آوری اطلاعات از روش های گوناگون استفاده شده است و به طور کلی مبتنی بر منابع کتابخانه ای و استفاده از منابع آماری مرکز آمار ایران و وزارت کشور می‌باشد. در این پژوهش با توجه به ویژگی‌های خاص آن تلاش شده است به اندازه‌ی کافی از نقشه و نمودار استفاده شود. همچنین در تهیه و ترسیم نقشه ها از نرم افزار GIS استفاده شده است.

در ادامه به بررسی مهمترین عناصر تهدید اقتصادی - کارکردی و شکلی - کالبدی در نظام تقسیمات کشوری می‌پردازیم.

۱. تهدیدات اقتصادی - کارکردی نظام تقسیمات کشوری ایران

۱-۱. عدم انطباق الگوی تقسیمات کشوری با سایر تقسیم بندی ها (حوزه های انتخاباتی، محیط زیست، نظامی و

انتظامی)

ساختار تقسیمات فضا باید متناسب با نیازها و ویژگی های ملی و محلی، کارکردهای متفاوتی داشته باشد. انطباق قالب‌های فضای رأی‌گیری در سطوح مختلف با الگوی تقسیمات کشوری یکی از این نیازها و ویژگی ها به شمار می‌آید. بنابراین در طراحی و اصلاح قانون و نیز تقسیم بندی فضا بر پایه آن، باید پارامترهای مذکور نیز مورد ملاحظه قرار گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۳۹۹). در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب ۱۵ تیر ۱۳۶۲ در ایران نیز اشاره ای به حوزه های انتخابیه شده است. به گونه‌ای که در تبصره دو در فصل دوم (نظام تقسیمات کشوری) این قانون در مورد حوزه های انتخابیه بیان شده است که «حوزه های انتخابات مجلس شورای اسلامی حتی الامکان منطبق بر محدوده شهرستان ها و هر حوزه

انتخاباتی متشکل از یک یا چند شهرستان خواهد بود. محدوده‌ی حوزه‌های انتخابات را قانون مشخص می‌کند»

بیشتر سیستم‌های انتخاباتی از مبنای جغرافیایی برخوردارند؛ به این صورت که اعضا به عنوان نمایندگان نواحی خاص برگزیده می‌شوند (تیلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۳۶۲). و حوزه‌های انتخاباتی فضاهای جغرافیایی و نواحی مشخصی هستند که براساس شاخص‌های خاصی تعیین می‌شوند. در ایران، بین حوزه‌های انتخاباتی و واحدهای تقسیمات کشوری (استان) انطباق کاملی وجود ندارد. در این کشور در چهار سطح حوزه بندی انتخاباتی وجود دارد که شامل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا می‌باشد. در انتخابات ریاست جمهوری هر چند کشور به حوزه‌های انتخاباتی متعددی تقسیم می‌شود، اما به دلیل ماهیت و نوع انتخابات تطابق حوزه‌های انتخاباتی و واحدهای تقسیمات کشوری لزومی ندارد. در انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا میان حوزه‌های انتخاباتی و واحدها و عناصر تقسیمات کشوری (استان، شهر و روستا) انطباق وجود دارد. به این ترتیب که هر استان و شهر و روستا با توجه به جمعیت خود تعدادی نماینده در مجلس خبرگان و شورای شهر و روستا در اختیار دارد. اما در حوزه‌بندی انتخابات مجلس شورای اسلامی انطباق کاملی میان واحدهای تقسیمات کشوری و حوزه‌های انتخاباتی مشاهده نمی‌شود. که این موضوع باعث ایجاد مشکلاتی در کارکرد مناسب تقسیمات کشوری و حتی ایجاد درگیری و نارضایتی میان مردم شده است. یکی از مصادیق عدم انطباق حوزه‌های انتخاباتی با واحدهای تقسیمات کشوری را می‌توان در حوزه‌ی انتخاباتی تعیین شده برای دو شهرستان فردوس و طبس مشاهده کرد. در حالی این دو شهرستان در یک حوزه‌ی انتخاباتی قرار گرفته‌اند و دارای یک نماینده در مجلس شورای اسلامی هستند که شهرستان فردوس در نظام تقسیمات کشوری در استان خراسان جنوبی قرار دارد و شهرستان طبس در استان یزد جای گرفته است. این موضوع ضمن ایجاد مشکلات متعددی در امر مدیریتی، تخصیص و توزیع بودجه و امکانات، نارضایتی مردم را نیز به دنبال داشته است. یکی دیگر از بی تناسبی‌ها و عدم انطباق‌ها میان واحدهای اول تقسیمات کشوری (استان‌ها) با مناطق طبیعی و زیست محیطی است. در واقع نظارت عالی بر اجرای استانداردهای محیط زیستی که در شمار مسؤلیت‌های دولت مرکزی است، نمی‌تواند بدون دخالت در شیوه و چارچوب‌های تقسیم سیاسی فضا

اعمال گردد. لازمه‌ی چنین نظارتی، اعمال مدیریت یکپارچه بر مناطق ساحلی، اکوسیستم‌های تالابی، مردابی، کوهستانی، جنگلی و سایر موارد است؛ در این شرایط، مدیریت‌های چندگانه ناحیه‌ای با قرارگرفتن یک اکوسیستم واحد در دو یا چند ناحیه، بسیار مشکل‌آفرین خواهد بود. (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۰۷) در ایران نیز اکوسیستم‌ها به طور کلی شامل شش منطقه‌ی اکوسیستم خلیج فارس، دریای خزر، ناحیه خزری، نواحی کوهستانی (البرز و زاگرس)، نواحی بیابانی و حاشیه کویر، علفزارها (مرتع) می‌شود (<http://www.zist1.blogfa.com>) در نظام تقسیمات کشوری به آن توجهی نشده است. همچنین عدم انطباق میان مرزها و محدوده‌های واحدهای تقسیمات کشوری در ارتباط با تقسیم بندی فضای کشور توسط نیروهای نظامی و انتظامی مشاهده می‌شود. به طوری که در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری در تبصره ۱ ماده ۱۴ ارعایت محدوده کلیه واحدهای تقسیمات کشوری برای تمامی واحدها و سازمان‌های اداری و نهادهای انقلاب اسلامی به جز نیروهای نظامی و انتظامی الزامی است. (قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، وزارت کشور). به همین دلیل نهادهای نظامی و انتظامی تقسیم بندی‌ها و حوزه بندی‌های متفاوتی از الگوی تقسیمات کشوری موجود برای انجام وظایف و شرح عملیات خود ایجاد کرده‌اند، که معمولاً شامل چند استان در هر یک از نواحی کشور می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت وجود محدوده‌ها و حوزه‌بندی‌های متفاوت با نظام تقسیمات کشوری در ایران باعث تداخل مدیریتی شده از عملکرد موفق و مؤثر نظام تقسیمات کشوری کاسته است. از آنجا که تقسیمات کشوری مهمترین ابزار حکومت برای سازماندهی و مدیریت سیاسی فضا به شمار می‌آید، باید حتی المقدور در ایجاد و تعیین محدوده‌های واحدهای تقسیمات کشوری تمام شاخص‌ها و عوامل طبیعی و زیست‌محیطی، امنیتی و نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، شکلی و کالبدی و غیره در نظر گرفته شود. در واقع نظام تقسیمات کشوری باید به گونه‌ای طراحی شود که تمام کارکردهای مورد نیاز را به‌طور یک‌جا داشته باشد و لزومی به ایجاد تقسیمات جداگانه انتظامی - نظامی، انتخاباتی، زیست محیطی، اقتصادی و... نباشد.

۱-۲. شکل‌گیری بی‌عدالتی فضایی و جغرافیایی میان استان‌ها

نظام تقسیمات کشوری کنونی به شکلی طراحی شده است که در آن فرصت‌های جغرافیایی به طور مناسبی میان استان‌ها توزیع نشده است. از جمله فرصت‌ها و منابع جغرافیایی که در توزیع استانی آن عدالت فضایی لحاظ نشده است، می‌توان به منابع فسیلی (نفت و گاز)، معادن، سواحل و آب شیرین اشاره کرد.

۱-۲-۱. منابع فسیلی (نفت و گاز)

تراکم منابع نفت و گاز ایران از لحاظ جغرافیای طبیعی و ویژگی های زمین شناسی به طور کلی در جنوب و جنوب غربی این کشور قرار گرفته اند. این موضوع به همراه شکل الگوی تقسیمات کشوری باعث شده است که بیشتر منابع فسیلی در سه استان خوزستان، بوشهر و کهگیلویه و بویر احمد قرار گیرد. و سایر استان ها از فرصت ها و مزایای در اختیار داشتن منابع نفتی و گازی محروم بمانند. در اختیار داشتن منابع فسیلی در کنار صنایع مرتبط با آن مخصوصاً نفت و گاز فرصت مناسبی را برای افزایش در آمد، اشتغال زایی و در نتیجه توسعه منطقه ای فراهم می کند. بنابراین نکته ی قابل توجه این است که به رغم تراکم منابع نفت و گاز در این سه استان، به جز استان خوزستان سایر استانها نفتی جزو استانهای فقیر و کمتر توسعه یافته محسوب می شوند. بنابراین مشاهده می شود نظام تقسیمات کشوری، ضمن آن که باعث تراکم ذخایر نفت و گاز در چند استان شده است و سایر استانها را از امتیاز در اختیار داشتن این منابع محروم ساخته است. نتوانسته است نقش چندان موثری در توسعه ای استانهای نفتی و گازی نیز ایفا کند.

نقشه شماره ۱: توزیع مکانی منابع نفتی و گازی در ایران



Source: <http://upload.wikimedia.org>

۲-۱. سواحل و آب‌های آزاد

ایران از طریق خلیج فارس و دریای عمان به آب‌های آزاد ارتباط دارد. دسترسی به آب‌های آزاد یک امتیاز جغرافیایی و ژئوپلیتیکی^۱ محسوب می‌شود و کشورهایی که از دسترسی به آن محروم هستند معمولاً دارای اقتصادی ضعیف و وابسته‌اند. در مورد واحدهای سیاسی درون کشوری نیز این موضوع به طور نسبی صدق می‌کند و معمولاً شهرها و ایالت‌هایی که در کنار آب‌های آزاد قرار دارند از لحاظ سطح توسعه و پیشرفت موقعیت مناسب‌تری را در اختیار دارند. به گونه‌ای که اغلب پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ در کنار سواحل یا در نزدیکی آن قرار گرفته‌اند. از جمله‌ی آنها می‌توان به لندن،^۲ توکیو،^۳ واشینگتون،^۴ نیویورک،^۵ سیدنی^۶ و غیره اشاره کرد. ایران نیز از طریق خلیج فارس و دریای عمان با دریاهای آزاد ارتباط دارد. طول سواحل ایران در ارتباط با دریاهای آزاد با توجه به نحوی محاسبه (در نظر گرفتن یا نگرفتن سواحل جزایر) متفاوت خواهد بود. در هر صورت به نظر می‌رسد طول سواحل ایران در خلیج فارس و دریای عمان یعنی از دهانه‌ی فاو تا خلیج گواتر کمتر از دوهزار کیلومتر خواهد بود. از نظر میزان طول ساحل ایران در میان ۱۲۲ کشور جهان در ردیف بیست و هفتم قرار دارد و در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پس از ترکیه، عربستان سعودی و مصر، دارای بیشترین درازای ساحلی است. (کریمی پور و حیدری، ۱۳۸۸: ۵۸) بنابراین ایران از این حیث در جایگاه نسبتاً مناسبی قرار دارد. اما نظام تقسیمات کشوری به گونه‌ای طراحی شده است که از سی استان فعلی تنها چهار استان امکان دسترسی به آب‌های آزاد را دارند. و سایر استان‌ها از این فرصت جغرافیایی محروم مانده‌اند.

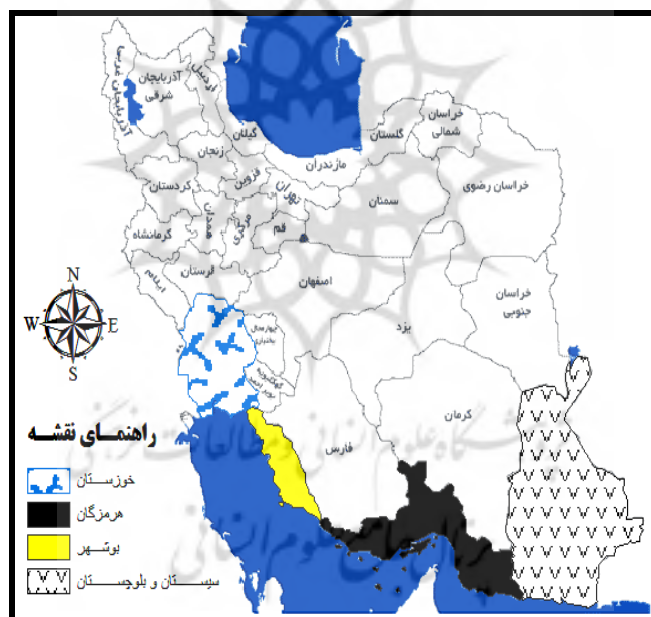
الگوی تقسیمات کشوری باعث شکل‌گیری استان‌های طولی در امتداد سواحل دریای عمان و خلیج فارس شده است. به شکلی که استان هرمزگان دارای بیش از نهمصد کیلومتر خط ساحلی با دریای عمان و خلیج فارس می‌باشد. همچنین استان بوشهر به رغم وسط اندک (۲۲۷۴۳ کیلومتر) به شکل طولی بیش از ششصد کیلومتر از سواحل خلیج فارس را شامل است. علی‌رغم این موقعیت، به دلیل تفویض نشدن

1. Geopolitical
2. London
3. Tokyo
4. Washington
5. New York
6. Sydney

اختیارات محلی به واحدهای تقسیمات کشوری و کنترل متمرکز امور از چهار استان ساحلی نیز سه استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان؛ و بوشهر نتوانسته اند از این موقعیت جغرافیایی استفاده مناسب راببرند. به طوری که در حال حاضر این سه استان جزو استان های محروم و عقب افتاده کشور محسوب می شوند و ایران در شمار ده کشور جهان قرار دارد که پایین ترین تراکم نسبی و میزان جمعیت ساحل نشین را به خود اختصاص داده است (کریمی پور و حیدری، ۱۳۸۸: ۶۱).

در صورت اصلاح اندک نظام تقسیمات کشوری موجود و تفویض اختیارات به واحدهای تقسیمات کشوری، حداقل سه استان فارس، کرمان و کهگیلویه و بویر احمد امکان دسترسی به آبهای آزاد را خواهند داشت و می توانند از این موقعیت در ارتقای سطح توسعه و مراودات تجاری خود استفاده کنند

نقشه شماره ۲: موقعیت و ویژگی استان های ساحلی ایران



ترسیم از: نگارندگان

۳-۲-۱. آب های شیرین و معادن

شاخص های بحران آب در ایران به علت قرار گرفتن در منطقه خشک و نیمه خشک، به مراتب نامطلوب تر از متوسط دنیاست. در حالی که یک درصد از جمعیت جهان در ایران زندگی می کنند، سهم

این کشور از کل منابع آب شیرین تجدید شونده دنیا تنها ۳۶ درصد است (آزادبخت و نوروزی، ۱۳۸۷: ۱۳۷). منبع اصلی منابع آب در ایران را ریزش‌های جوی و مقدار کمی آب که به وسیله‌ی رودخانه‌های مرزی از خارج وارد می‌شوند، تشکیل می‌دهد. میزان متوسط بارش در سطح کشور حدود ۲۵۰ میلی‌متر در سال است که از متوسط میزان بارش جهانی کمتر است. علاوه بر این، به دلیل عوامل مختلف مثل وجود پستی و بلندی‌ها، فاصله از دریا و تأثیر سیستم‌های جوی مختلف، میزان بارش سالانه نیز از نظر مکانی و زمانی پراکندگی یکنواختی ندارد (صداقت، ۱۳۸۳: ۳۳). به طور کلی، در شش درصد مساحت کل کشور، میزان بارش سالانه کمتر از پنجاه میلی‌متر است (مناطق جنوب شرقی - داخلی) و در چهل و شش درصد مساحت کشور کمتر از دویست میلی‌متر (مرکزی، جنوبی، شرقی) و در سی و نه درصد مساحت کشور کمتر از پانصد میلی‌متر (مناطق نیمه‌خشک) و در هشت درصد دیگر متوسط بارش سالانه بین پانصد تا هزار میلی‌متر است (مناطق مرتفع کوهستانی و نواحی جنوب شرق دریای خزر) و در یک درصد سطح کشور متوسط بارش سالانه بیش از هزار میلی‌متر است (سواحل جنوب غربی دریای خزر). (کردوانی، ۱۳۸۱: ۶۲). در این میان تقسیمات کشوری موجود الگوی نامتوازن بارندگی و توزیع آب در کشور را شدت بخشیده است و چالش جدی در ارتباط با منابع آب در کشور ایجاد کرده است. به گونه‌ای که حدود هفتاد درصد از آب‌های جاری کشور وارد چهار استان خوزستان، گیلان، مازندران و آذربایجان غربی می‌شود و در حالی که حدود یک سوم آب‌های جاری کشور از طریق پنج رودخانه دائمی وارد جلگه خوزستان می‌شود، سه استان ساحلی جنوب کشور، حتی برای مصارف شرب و صنعتی، وابسته به آب‌های خارج از استان هستند (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۱۲۳).

در مورد پراکندگی معادن در کشور و در میان استان‌ها نیز نوعی عدم توازن مشاهده می‌شود. مهمترین معادن کشور همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود. در فلات مرکزی ایران و در استان‌های خراسان، کرمان و سمنان قرار گرفته است. به نظر می‌رسد، علت قرار گیری بیشتر معادن در این منطقه از کشور و بین این سه استان، علاوه بر ویژگی‌های زمین‌شناسی، وسعت زیاد این استان‌ها و در بر گرفتن پهنه‌ی وسیعی از فلات مرکزی ایران باشد. در مجموع می‌توان گفت که اگرچه ویژگی‌های طبیعی سرزمین در ایران باعث تراکم فرصت‌ها و امتیازات جغرافیایی در برخی از مناطق کشور شده است، اما نظام تقسیمات کشوری نیز نتوانسته است در آمایش سیاسی صحیح این فرصت‌ها و توزیع مناسب

امتیازهای جغرافیایی در میان استان ها به خوبی عمل نماید و نه تنها عملکرد مثبتی در کاهش بی عدالتی جغرافیای طبیعی سرزمین نداشته است، بلکه با طراحی نامناسب فضا بر شدت بی عدالتی فضایی و جغرافیایی در بین واحدهای تقسیمات کشوری افزوده است.

جدول شماره ۱: موقعیت مکانی معادن ایران

زغال سنگ	سنگ آهن	سرب و روی	سنگ طلا	سنگ مس	کرومیت
کرمان	خراسان	خراسان	اصفهان	کرمان	خراسان
سمنان	سمنان	سمنان	آذربایجان	خراسان	سمنان
خراسان*	کرمان	کرمان	غربی	قزوین	کرمان
یزد	یزد	یزد	خراسان	آذربایجان	سیستان
ایلام	همدان	مرکزی		شرقی	و بلوچستان
آذربایجان	مرکزی	همدان			
شرقی	کردستان	کردستان			
کرمنشاه	زنجان	زنجان			
مازندران	آذربایجان	آذربایجان			
تهران	غربی	غربی			

ماخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳

۱-۳. توسعه نامتوازن استانی (شکل گیری پدیده مرکز- پیرامون)

شاخص های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فضایی، حاکی از آن است که ایران دارای ساختار فضایی مرکز- پیرامون^۱ هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه ای و محلی است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۷-۱۸۶). برخی مطالعات انجام شده عدم تعادل و شکاف نابرابری های منطقه ای در کشور را حتی بیشتر از ده برابر دانسته و اعلام می کنند که در توسعه کشور الگوی مرکز- پیرامون حاکمیت شدیدی دارد، به گونه ای که بیشتر شهرستان های عقب مانده در نواحی حاشیه ای و مرزی کشور و در

* استان خراسان ذکر شده در جدول قبل از تقسیم آن در سال ۱۳۸۳ است.

مناطق کوهستانی واقع شده اند (کلاتری، ۱۳۷۷: ۱۹۳) عدم تعادل منطقه ای آثار و عواقب زیانبار فراوانی برای کشور به دنبال دارد که به برخی از آنها شامل: افزایش فرایند تمرکزگرایی، افزایش بسترهای نارضایتی‌های اقتصادی- اجتماعی، ادامه روند مهاجرت و حاشیه نشینی، افزایش فرایند واگرایی و مرکزگرایی در مناطق مختلف، افزایش احساس تبعیض و فاصله‌ی طبقاتی، گسستگی پیوند ارگانیک بین بخش‌های مختلف اقتصادی و مناطق مختلف کشور، افزایش تخریب محیط زیست و فشار اکولوژیکی به‌ویژه در اثر رشد بی‌رویه‌ی شهرهای بزرگ، عدم بهبودی در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه برخی از بخش‌های کشور است (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۶). براساس پژوهشی که توسط معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری با عنوان شناسایی نواحی کمتر توسعه یافته انجام شده است، شهرستان‌های کشور از نظر میزان محرومیت در پنج رتبه طبقه بندی شده اند. به این نحو که گروه یا رتبه‌ی یک شامل شهرستان‌هایی هستند که دارای بیشترین میزان محرومیت هستند و رتبه‌ی پنج شامل شهرستان‌هایی است که کمترین محرومیت یا بیشترین میزان برخورداری را دارند. با بررسی شهرستان‌های هریک از استان‌های کشور، مشاهده می‌شود برخوردارترین استان، استان تهران است که تمام شهرستان آن در رتبه پنج و جزو برخوردارترین‌ها قرار دارند و محرومترین استان کشور، استان سیستان و بلوچستان است که از ده شهرستان آن، نه‌تای آنها در زمره محرومترین شهرستان‌ها یعنی رتبه یک قرار دارند. نکته‌ی قابل توجه این است که استان سیستان و بلوچستان و زاهدان دارای بیشترین میزان فاصله‌ی جغرافیایی تا مرکز حکومت (تهران) است. با بررسی دقیق‌تر مشخص می‌شود که از میان ده استانی که بیشترین محرومیت را دارند (سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، کرمان، ایلام، هرمزگان، کردستان، خراسان جنوبی، آذربایجان غربی و اردبیل) هشت مورد از آنها استان‌های مرزی به شمار می‌آیند و دوتای دیگر در فاصله جغرافیایی زیاد از مرکز حکومت قرار دارند. (کرمان و کهگیلویه و بویراحمد) از سوی دیگر شش استانی که پس از استان تهران بیشترین میزان برخورداری را دارا هستند، همگی در همسایگی استان تهران قرار دارند. این روند در سطح اول (استان‌ها) واحدهای تقسیمات کشوری نشان دهنده‌ی شکل‌گیری پدیده مرکز-پیرامون و توسعه نامتوازن استانی می‌باشد.

به عنوان مرکز سیاسی کشور، بیشترین امکانات زیربنایی، تولیدی، خدماتی، تسهیلات اجتماعی و رفاهی را در خود جای داده است (جوان، ۱۳۸۳: ۱۱۸-۱۱۷). بنابراین در ساختار فضایی کشور با افزایش فاصله از مرکز، حکومت از میزان توسعه کاسته و بر شدت محرومیت افزوده می‌شود (نقشه شماره ۳). وجود بی‌عدالتی جغرافیایی و توسعه‌ی نامتوازن بخشهای جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب همبستگی ملی شده و منجر به بروز تحرکات واگرایانه بویژه در مناطق قومی شود که این مساله تاثیر نامطلوبی بر امنیت ملی و در نتیجه توسعه‌ی کشور دارد (احمدی پور و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۲). با اطمینان می‌توان گفت که هیچ نوع همگرایی، همگنی و اتحاد تاریخی دراز مدت ملی در چارچوب فضای سرزمینی دولت با توسعه‌ی نامتوازن منطقه‌ای حاصل نخواهد شد (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۲۴). در واقع افزوده شدن توسعه نامتوازن منطقه‌ای (استانی) به عوامل واگرایی سنتی مذهبی، فرهنگی، قومیت و نژاد قدرت نیروهای واگرا را در مناطق مرزی و حاشیه‌ای دو چندان ساخته است. در این میان نظام تقسیمات کشوری و نظام تقسیم بندی سیاسی فضا که یکی از کار ویژه‌های آن ایجاد تعادل منطقه‌ای و فراهم سازی بسترهای توسعه‌ی متوازن منطقه‌ای است در عمل به رسالت خود ناکام مانده است و نتوانسته است مانع از شکل گیری پدیده مرکز - پیرامون شود یا حداقل از شدت آن کاسته و آن را تعدیل نماید.

۴-۱. بی توجهی به اصول و اهداف تقسیمات کشوری (فرایند علمی تقسیمات کشوری)

تقسیمات کشوری و سازماندهی سیاسی فضا دارای اصول، اهداف و ملاحظات است که باید در مراحل طراحی، تدوین، پیاده سازی و اجرا در نظر گرفته شوند. در واقع توجه به این موارد باعث می‌شود تقسیمات کشوری از چالش و منابع تهدید کمتری برخوردار شود و در عوض کارکرد موثرتری در راه توسعه و پیشرفت کشور از خود به نمایش بگذارد. اما در قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری ایران تعریف مشخص از اصول، اهداف و فرایند اجرایی سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری به میان نیامده است. در این قانون به طور کلی به سه موضوع پرداخته شده است:

۱. تعاریف عناصر تقسیمات کشوری شامل روستا، دهستان، شهر، بخش، شهرستان و استان و میزان

تراکم جمعیتی در سطوح مختلف برای آنها؛

۲. تعیین نظام اداری سطوح مختلف نظام تقسیمات کشوری؛

۳. در مورد هرگونه انتزاع، الحاق، تبدیل، ایجاد و ادغام و همچنین تأسیس هرگونه واحد و سازمان اداری و نهادهای مستقل....

همچنین قوانین تقسیمات کشوری به ضوابط و شاخص های علمی از قبیل: مکان مرکزی، فاصله، دسترسی، تعیین کانون‌ها، مشارکت مردمی، مرزبندی، الگوبندی و غیره اشاره صریح و مشخصی نکرده است. بنابراین تقسیمات کشوری در ایران پیش از آن که به اصول، اهداف و ملاحظات عمده تقسیمات کشوری و تهیه یک چارچوب علمی برای تقسیم بندی سرزمین توجه داشته باشد، به ملاحظات سیاسی- اداری توجه کرده است و صرفاً قانونی حکومتی و دولتی به شمار می آید. در مجموع می توان گفت وجود چالش و منابع متعدد تهدید در نظام تقسیمات کشوری ناشی از توجه نکردن به شاخص های علمی و نداشتن یک استراتژی مدون در طراحی و تدوین قانون تقسیمات کشوری به عنوان نقشه راه تقسیم بندی سیاسی سرزمین است.

۲. چالش های شکلی و کالبدی

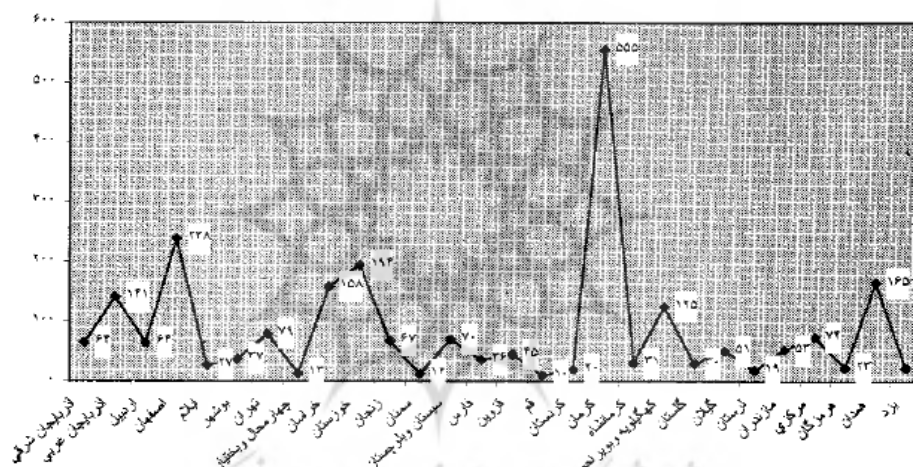
۲-۱. بی ثباتی در الگوی تقسیمات کشوری

از قانون مند شدن تقسیمات کشوری با تصویب قانون ایالات و ولایات در سال ۱۲۸۵ه.ش، الگوی تقسیمات کشوری دچار تغییرات بسیار زیادی شده است به طوری که تعداد استان ها بین سال های ۱۳۱۶ تا ۱۳۸۹ از ۶ به ۳۱، شهرستان ها از ۴۹ به ۳۸۳ و تعداد بخش ها از ۳۱۰ به ۹۵۵ عدد افزایش یافته است. چنانچه روند افزایش استانها و پیش بینی آینده بر اساس روش سری های زمانی رسم شود، تا سال ۱۴۱۰ تعداد استان ها حداقل به چهل افزایش خواهد یافت (رهنما و احمدی پور، ۱۳۸۲: ۳۸). شکل گیری واحد های جدید باعث تغییر در محدوده و مرزهای واحدهای تقسیمات کشوری می شود، که این موضوع بی ثباتی در مدیریت فضا و واحدهای تقسیمات کشوری را به همراه خواهد داشت. اگر شکل گیری، الحاق، انتزاع را از موارد تغییر در مرزها و محدوده های واحدهای تقسیمات کشوری در نظر بگیریم تمام واحدهای تقسیمات کشوری در سطح اول مشمول تغییر در مرزها و محدوده های خود شده اند. علاوه بر بی ثباتی در محدوده های واحدهای تقسیمات کشوری، تغییر اسامی و نام های واحدهای تقسیمات کشوری نیز یکی دیگر از چالش های بی ثباتی در نظام تقسیمات کشوری ایران به شمار می آید. تغییر در اسامی واحدهای تقسیمات کشوری در دو دوره مشخص شده و فراوانی زیادی داشته است: اولین دوره

مربوط می‌شود به بعد از به حکومت رسیدن رضاخان و تغییرات تقسیمات کشوری در سال ۱۳۱۶ ه.ش که در آن زمان نام واحدهای اول تقسیمات کشوری از نام تاریخی خود به عدد به ترتیب از یک تا ده تغییر داده شدند. دومین دوره مربوط می‌شود به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی که تغییر در اسامی واحدهای تقسیمات کشوری در تمامی سطوح و در طیف گسترده‌ای صورت پذیرفت. به طوری که در دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹ حدود ۱۷۵۴ نام واحدها و عناصر تقسیمات کشوری در استان‌های مختلف تغییر کرد. (احمدی پور، ۱۳۸۲: ۱۶)

نمودار شماره ۱: تغییر نام واحدها و عناصر تقسیمات کشوری صورت گرفته به تفکیک استان‌ها بعد از پیروزی

انقلاب اسلامی



منبع (احمدی پور، ۱۳۸۲: ۱۷)

۲-۲. شکل و وسعت نامتوازن استان‌ها

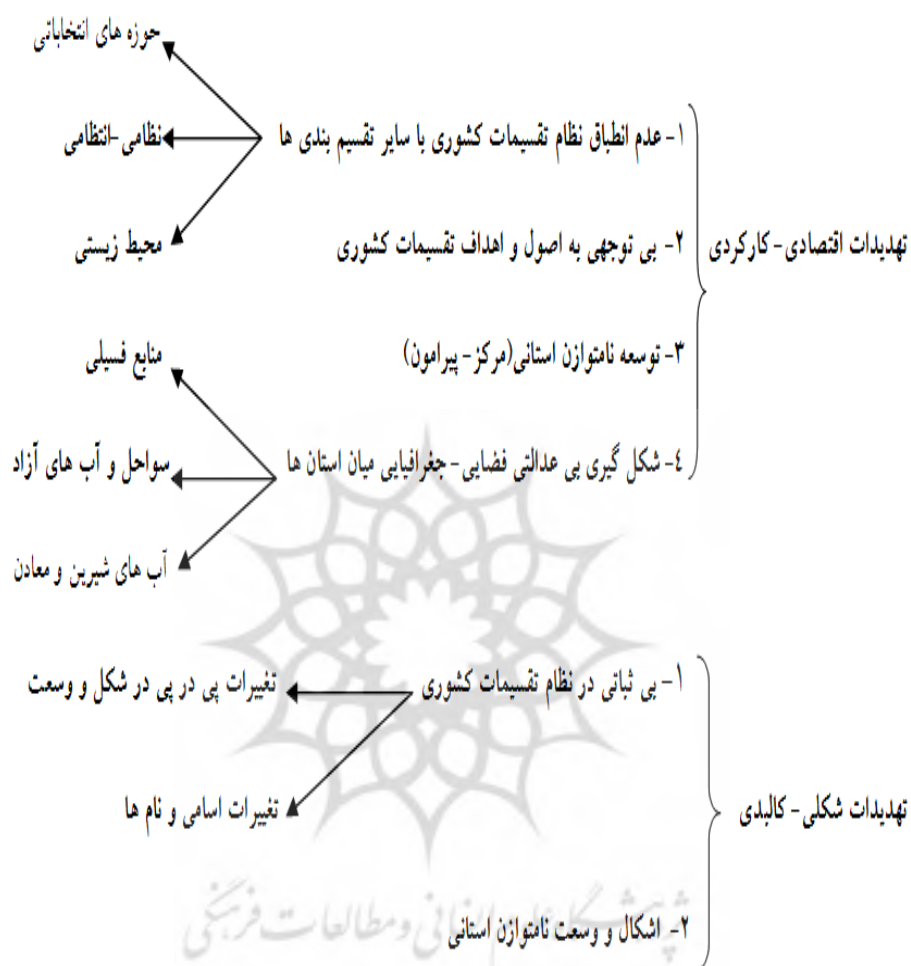
در ملاحظات مربوط به سازماندهی سیاسی فضا، معمولاً قالب‌های فضایی فشرده، مدور، مربعی یا مربع مستطیل با کانون واقع در مرکز ثقل جغرافیایی واحد سیاسی کارایی بهتری دارند؛ بنابراین از ایجاد قالب‌های طولی به ویژه در نواحی مرزی، آن هم نامتجانس با بدنه‌ی کشور باید پرهیز شود؛ زیرا امر سرویس دهی و اداره امور آن را مشکلتر و خطر جدایی طلبی در این مناطق تشدید می‌شود. (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۴۰۵) اما در طراحی واحدهای تقسیمات کشوری سطح اول (استان) در ایران توجه چندانی به این

موضوع نشده است و استان های مرزی هرمزگان، بوشهر، و در مراتب بعدی آذربایجان غربی، اردبیل و ایلام دارای شکل طولی هستند و فاصله ی شرق و غرب و یا شمال و جنوب این استان ها، نسبت به مساحت آنها بسیار طولانی است. به طوری که استان هرمزگان با وسعت ۷۰۶۹۷ کیلومتر مربع و استان بوشهر با وسعت ۲۲۷۴۳ کیلومتر مربع (وزارت کشور، ۱۳۸۵) به خط مستقیم به ترتیب بیش از ۹۶۰ و ۴۲۰ کیلومتر طول دارند. این در حالی است که محاسبه ی طول این استان ها با خط غیر مستقیم و منطبق بر ویژگی های طبیعی آنها به ترتیب به بیش از دوهزار و هزار کیلومتر خواهد رسید. این موضوع باعث می شود که نظام تقسیمات کشوری در عمل به اهداف و اصول خود از جمله: اصل تسهیل خدمات رسانی و تأمین نیازهای سکنه ی مقیم، اصل دسترسی سریع و کم هزینه به مرکز خدمات یا کانون ناحیه ی سیاسی و همچنین اصل رضایتمندی سکنه ی فضای جغرافیایی، ناکام بماند. استان های گیلان، مازندران و گلستان نیز دارای شکل کشیده و طولی هستند، اما ویژگی های طبیعی منطقه و وجود سلسله جبال البرز که دو محیط طبیعی و انسانی متفاوت را در دوسوی خود ایجاد کرده است، این نوع تقسیم بندی را ناگزیر ساخته است. علاوه بر اشکال نامتوازن استانی، وسعت نابرابر و بی توازن در اندازه استان ها یکی دیگر از چالش های تقسیمات کشوری است. به طوری که نه استان وسیع کشور، که شامل سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد، فارس، اصفهان، خراسان رضوی، سمنان، خراسان جنوبی و هرمزگان می باشند. با وسعت ۱۰۲۰۵۹۸ کیلومتر مربع بیش از شصت و دو درصد از وسعت خاکی کشور را در بر گرفته اند و بیست و دو استان دیگر کمتر از ۳۸ درصد مساحت کشور را در اختیار دارند. این در حالی است که وسعت بزرگترین استان کشور (سیستان و بلوچستان) بیش از سی و یک برابر کوچکترین استان کشور (البرز) می باشد. وسعت زیاد استان ها در نواحی مرکزی، شرقی و جنوبی کشور مدیریت سیاسی فضا را با مشکل روبرو کرده است و باعث شده خدمات رسانی و تخصیص بودجه به شکل مناسبی صورت نپذیرد. ویژگی های جغرافیایی و بافت فرهنگی و مذهبی استان های واقع در مرکز کشور، مخصوصاً استان های فارس، یزد، اصفهان و سمنان زمینه را برای هرگونه تغییر در تقسیمات کشوری مساعد ساخته است. به این معنی که تغییرات مورد نظر، مشکلی از نقطه نظر ایجاد بحران های استراتژیکی به وجود نمی آورد (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۶۶).

از چالش های کارکردی می توان به نبود توجه به کارکردهای چندگانه‌ی تقسیمات کشوری و عدم انطباق الگوی تقسیمات کشوری با سایر تقسیم بندی ها از جمله حوزه های انتخاباتی، تقسیم بندی های - انتظامی و زیست محیطی اشاره کرد. در واقع تقسیمات کشوری باید به گونه ای طراحی شود که تمام کارکردهای انتخاباتی، نظامی، زیست محیطی، فرهنگی، اقتصادی و... را شامل شده و نیازی به تقسیم بندی جداگانه از آن پیش نباشد. اما نظام تقسیمات کشوری در ایران نتوانسته است به این وظیفه‌ی خود عمل کند.

از دیگر چالش های اقتصادی-کارکردی نظام تقسیمات کشوری بی عدالتی فضایی- جغرافیایی میان استان های کشور است. اگرچه ویژگی های طبیعی سرزمین موجب تراکم فرصت ها و ارزش های جغرافیایی (منابع فسیلی- سواحل و آب های آزاد و آب های شیرین و معادن) در برخی از مناطق کشور شده است اما نظام تقسیمات کشوری نیز نتوانسته است آمایش سیاسی صحیحی را در توزیع این فرصت های جغرافیایی ایجاد کند و در نتیجه، این بی عدالتی طبیعی را تشدید کرده است. علاوه بر این، شکل گیری پدیده مرکز- پیرامون در میان واحدهای تقسیمات کشوری (استانی) نشان دهنده‌ی آن است که نظام تقسیمات کشوری در عمل به یکی از وظایف و کارکردهای خود یعنی فراهم سازی بسترهای توسعه متوازن منطقه‌ای، ناکام مانده است. در نهایت بی توجهی به اصول و اهداف تقسیمات کشوری و فرایند علمی سازماندهی سیاسی فضا موجب شده است که نظام تقسیمات کشوری به طور کلی کارکرد مناسبی را از خود به نمایش نگذارد.

از دیگر چالش های تقسیمات کشوری، چالش های شکلی- کالبدی هستند. بی ثباتی در محدوده‌ها و مرزهای واحدهای تقسیمات کشوری، باعث شکل گیری بی ثباتی مدیریتی شده و تغییرات پی درپی از کارکرد مؤثر تقسیمات کشوری کاسته است. همچنین شکل ها و وسعت های نامتوازن یکی دیگر از چالش های شکلی و کالبدی تقسیمات کشوری است که این موضوع باعث شکل گیری استان های با اختلاف وسعت زیاد و همچنین اشکال طولی و کشیده مخصوصاً در سواحل دریای عمان و خلیج فارس و نواحی مرزی شده است. بنابراین، با توجه به عناصر متعدد تهدید در نظام تقسیمات کشوری ایران، مخصوصاً تهدیدات اقتصادی- کارکردی و شکلی- کالبدی، لزوم بازنگری و اصلاح الگوی تقسیمات کشوری الزامی است.



قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از حمایت‌های اداره کل تقسیمات کشوری وزارت محترم کشور، به لحاظ فراهم نمودن شرایط و بسترهای انجام طرح تحقیقاتی با عنوان «تحلیل منابع تهدید در تقسیمات کشوری ایران و ارائه الگوی مناسب» که مقاله‌ی حاضر برگرفته از طرح مذکور است، کمال تقدیر و تشکر را داشته باشند.

کتابنامه

۱. احمدی پور، زهرا. (۱۳۸۲). تحلیلی بر سیر نام گذاری واحد های سیاسی- اداری در ایران. مدرس. دوره ۷. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۲.
۲. احمدی پور، زهرا و علیرضا منصوریان. (۱۳۸۵). تقسیمات کشوری و بی ثباتی سیاسی در ایران. (۱۳۵۷) _ (۱۲۸۵). فصلنامه ژئوپلیتیک. سال دوم شماره اول. بهار ۱۳۸۵.
۳. احمدی پور، زهرا و مختاری هشی، عبدالرضا و افتخاری، رکن الدین و وزین، نرگس. (۱۳۸۶). بررسی روند شتاب توسعه یافتگی فضاهاى سیاسی- اداری کشور. مطالعه‌ی موردی: استان‌های ایران در برنامه های اول تا سوم توسعه (۸۳-۱۳۳۸). فصلنامه‌ی ژئوپلیتیک. سال سوم. شماره اول.
۴. آزادبخت، بهرام و نوروزی، غلامرضا. (۱۳۸۷). جغرافیای آب‌های ایران. انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۵. تایلور، پی.جی و جانستون، آر. جی (۱۳۸۶). جغرافیای انتخابات. ترجمه‌ی زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری. نشر قومس. تهران.
۶. بدیعی، ربیع. (۱۳۶۲). جغرافیای مفصل ایران. انتشارات اقبال.
۷. پایگاه اطلاع رسانی وزارت کشور.
8. <http://www.moi.ir/portal>
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: سمت.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۳). افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی. انتشارات سمت. تهران.
۱۱. جوان، جعفر. (۱۳۸۸). جغرافیای جمعیت ایران. چاپ چهارم. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد مشهد.
۱۲. رهنما، محمد رحیم و احمدی پور، زهرا. (۱۳۸۲). درجه بندی نظام تقسیمات کشوری. فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی؛ مشهد.
۱۳. صداقت، محمود. (۱۳۸۳). منابع و مسائل آب ایران. چاپ پنجم دی ماه ۱۳۸۳. انتشارات پیام نور.
۱۴. کاویانی راد، مراد. (۱۳۸۹). ناحیه گرابی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی. چاپ اول. ناشر پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران.
۱۵. کلاتری، خلیل. (۱۳۷۷). شناسایی مناطق عقب افتاده در ایران. فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی. شماره ۴۸ بهار ۱۳۷۷.

۱۶. کردوانی، پرویز. (۱۳۸۱). آب‌های سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره‌برداری از آنها. جلد اول. چاپ ششم. انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. کریمی پور، یدالله و حیدری، غلام‌حسین. (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک کرانه‌های دریایی ایران از دیدگاه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی. ناشر دانشگاه تربیت معلم تهران.
۱۸. کریمی پور، یدالله. (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران. جلد نخست: وضع موجود. تهران: انجمن جغرافیایی ایران.
۱۹. کریمی پور، یدالله و محمدی، حمید رضا. (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری ایران. نشر انتخاب. چاپ اول. تهران.
۲۰. مرکز آمار ایران. (۱۳۸۳).
۲۱. مویر، ریچارد. (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه‌ی دره میرحیدر. تهران. انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

22. <http://upload.wikimedia.org>

23. <http://www.zist1.blogfa.com>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی